

# صراط حقیقت

زیبا خانگلی زاده فیروز جایی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث  
دبیر مدارس تهران

## صراط و احوال آن در قرآن و روایات

### چکیده

صراط یکی از عرصه‌های هولناک آخرت است و آن پلی است که روی جهنم کشیده‌اند و تا کسی از آن نگذرد، وارد بهشت نمی‌شود. صراط مستقیم، که تنها راه رسیدن به کمال است، همان تبعیت از خدا و رسول خدا(ص) و ولایت ائمه معصومین (ع) در دنیاست.

◀ کلیدواژه‌ها: صراط، پل، عقبه، صراط دنیوی و اخروی، راه مستقیم، سبیل.

### مقدمه

اعتقاد به صراط یکی از مسائل قطعی دین مبین اسلام است که در قرآن و روایات معصومین (ع) بسیار بر آن تأکید شده است. صراط یکی از هولناک‌ترین عقبه‌های آخرت است که از مو باریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر و از آتش گرم‌تر است. (الصراط صراطان ... معانی الاخبار شیخ صدوق) صراط دنیوی همان راه سعادت است و در نماز می‌خوانیم: «ما را به راه راست هدایت کن»، و پیروی از ائمه معصومین (ع)، که این راه مستقیم همان راه رسیدن به کمال و راه انبیا و اولیا و صالحین و شهدا و صدیقین است، و صراط اخروی همان پلی است که روی جهنم کشیده‌اند که همه انسان‌ها باید از آن عبور کنند. بعضی نمی‌توانند از آن عبور کنند و از بالای آن به جهنم سقوط می‌کنند.

پژوهش حاضر در صدد آن است که صراط را از دیدگاه آیات قرآن و روایات بررسی نماید تا با پیروی از دستورات خدا و ائمه معصومین (ع) بتوان به راحتی از این پل خطرناک عبور کرد.

### حقیقت صراط و احوال آن

در تفسیر تسنیم آمده است: «عبد سالک برای رسیدن به لقای خدای سبحان نیازمند صراطی است که از آسیب،

کجی و اعوجاج و از دستبرد شیطان مصون باشد و محتاج نور هدایتی است که راه را به وی بنماید و او را تا رسیدن به مقصد نهایی رهبری کند. عبد سالک در سوره حمد هدایت به صراط مستقیم را از خدا درخواست می‌کند و این هدایت همان هدایت تکوینی است؛ صراط بزرگراهی است که از یک سو به خدای سبحان مرتبط است (از این رو واحد است نه کثیر) و از سوی دیگر در فطرت یکایک انسان‌ها قرار دارد و از نهاد آن‌ها آغاز می‌شود و از این رو پیمودن آن دشوار نیست و هر کس آن را ببیماید به لقاءالله می‌رسد» (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۵۹).

علامه مجلسی (ره) در حق الیقین از کتاب عقاید شیخ صدوق (ره) نقل کرده که فرمود: اعتقاد ما در گردنه‌ها و عقباتی که در راه محشر است، آن است که هر عقبه‌ای اسم واجب و فرضی است از اوامر و نواهی الهی. پس پیوسته او را از عقبه‌ای به عقبه دیگری می‌برند و نزد هر عقبه از آنچه او در صاحب اسم آن عقبه تقصیر کرده است سؤال می‌کنند. پس اگر از همه سلامت بیرون رفت، به دار بقا منتهی می‌شود. پس حیاتی می‌یابد که هرگز مرگ در آن نیست و سعادت می‌یابد که شقاوت با آن نیست و در جوار خدا با پیغمبران و ائمه و صدیقین و شهدا و صالحان از بندگان خدای تعالی ساکن می‌شود.

اگر او را بر عقبه‌ای حبس کنند و از او حقی را طلب کنند که در آن تقصیر کرده است، او را عمل صالحی که پیش فرستاده باشد نجات ندهد و اگر او را رحمتی از جانب حق تعالی در نیابد، می‌لغزد و قدمش از آن عقبه در جهنم، فرو می‌رود. پناه می‌بریم به خدای تعالی از آن.

این عقبات همه بر صراط است. اسم یک عقبه از آن‌ها ولایت است که همه خلایق را نزد آن عقبه باز می‌دارند و



سؤال می کنند از ولایت امیرالمؤمنین (ع) و ائمه بعد از او. اگر به آن اتیان کرده است نجات می یابد و می گذرد و اگر نه به سوی جهنم فرو می رود؛ چنان که حق تعالی فرموده است: «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (الصفات/۲۴) (آن ها را ننگه دارید که از آن ها سؤال می شود) (قمی: ۱۳۸۵، ۱۳۷-۱۳۵).

همچنین از حضرت امام محمدباقر (ع) روایت کرده اند که وقتی آیه: «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» (الفجر/۲۳) (و بیاورند در آن روز جهنم را)، نازل شد حضرت رسول (ص) فرمود که روح الامین مرا خبر داده است که چون حق تعالی اولین و آخرین را در قیامت جمع کند، جهنم را بیاورند، با هزار مهار که او را صد هزار ملک در نهایت شدت و غلظت کشند و جهنم را صدای درهم شکسته و خروش و غضب عظیم بوده باشد، پس نفسی بکشد و صدایی در آن ظاهر شود که اگر نه آن باشد که حق تعالی از برای حساب مردم را تأخیر کرده است، هر آینه همه را هلاک کند، پس هیچ بنده ای از بندگان خدا نماند، نه ملکی و نه پیغمبری مگر آن که فریاد کند: «رَبِّ نَفْسِي نَفْسِي»؛ پروردگارا، جان مرا جان مرا نجات ده و تو ای پیغمبر خدا، ندا کنی که «أمتی، أمتی» و از برای امت خود دعا کنی.

کلمه «صراط» بیش از چهل بار در قرآن استعمال شده است. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «مردم در عبور از صراط در گروه های مختلفی هستند، همان صراطی که نازک تر از مو و تیزتر از شمشیر است. بعضی از آنان مانند برق جهنده و بعضی مانند اسب دونده از آن می گذرند. بعضی با دست ها و زانو و بعضی راه را با پا طی می نمایند و بعضی خود را به صراط آویخته اند، گاهی گوشه هایی از بدنشان آتش می گیرد» (صدوق: ۱۰۷ و مجلسی: ۶۴/۸ و ۶۵).

### ذکر چند عمل برای سهولت گذشتن از این عقبه

۱. سید بن طاووس در اقبال: هر که شب اول ماه رجب بعد از نماز مغرب بیست رکعت نماز کند به حمد و توحید و بعد از هر رکعت دو رکعت سلام دهد ... از صراط بی حساب مانند برق بگذرد (سیدبن طاووس: ۶۲۹).

۲. هر که شش روز از ماه رجب را روزه بگیرد از آمنین باشد و بر صراط به غیر حساب بگذرد (صدوق: ۱۲۶).

۳. هر که زیارت کند حضرت امام رضا (ع) را آن حضرت بیاورد نزد او در سه مویز روز قیامت تا او را خلاصی بخشد از احوال آن ها که یکی از آن ها نزد صراط است (مجلسی، ۹۹: ۳۴).

۴. سید بن طاووس در اقبال: کسی که در شب بیست و نهم ماه شعبان ده رکعت نماز بخواند، در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و «الهیکم التکاثر» ده مرتبه، «معوذتین» ده مرتبه و «توحید» ده مرتبه، ... و از صراط مثل برق جهنده بگذرد (سیدبن طاووس: ۲۴۱).

### رابطه صراط دنیوی با اخروی

صاحب کشف المراد در این مورد آورده است که «صراط» در لغت به معنای طریق است و در لسان شرع به دو وجه اطلاق می شود:

#### ۱. صراط دنیوی

#### ۲. صراط اخروی

منظور از صراط دنیوی همان راه فلاح و سعادت است، که در نماز می خوانیم «اهدنا الصراط المستقیم» (الحمد/۶) (ما را به راه راست هدایت فرما). اما مراد از صراط اخروی چیست؟ مورد اختلاف است؟

گروهی می گویند: در آخرت دو راه وجود دارد: یک راه به سوی بهشت است که خداوند اهل بهشت را به سوی آن راه هدایت می کند، و یک راه به سوی جهنم است که خداوند اهل جهنم را به آن هدایت می کند. دلیل این ها قرآن است که در جایی راجع به اهل بهشت فرمود: «سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِأَلْسِنَتِهِمُ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ» (محمد/۵-۶) (آن ها را البته به راه سعادت هدایت کند و امورشان اصلاح فرماید و در بهشتی که همه را شناسا کرده، وارد کند) و جای دیگر راجع به اهل جهنم فرموده: «فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ» (الصفات/۲۳) (همه را به راه دوزخ هدایت کنید).

«صراط مستقیم» یعنی تنها راهی که در دنیا مطلوب و راه رسیدن به کمال است؛

- یعنی راه راست، راه حق و عدل، راه انبیا و شهدا و صالحان و صدیقین (به استناد آیه ۶۹ سوره نساء) و راه خدا، «إِنَّ رَبِّي عَلِيٌّ صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ» (هود/۵۶) (البته پروردگار من به راه راست است).

- راه محمد (ص) «إِنَّكَ عَلِيٌّ صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ» (الزخرف/۴۳) (البته تو به راه راست هستی).

تمسک و پیوند با خداوند است: «وَمَنْ يَتَصَبَّمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدِيَ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران/۱۰۱) (هر کس به دین خدا متمسک شود، محققاً به راه مستقیم هدایت یافته): تمسک به خداوند، همان پذیرفتن قانون خدا و

اطاعت از اولیای اوست؛ چنان که می‌فرماید: «والله نحن الصراط المستقیم» (حویزی، ۱۷/۱): (به خدا سوگند تنها ما راه مستقیم هستیم و بس).

در حدیث (مفضل بن عمرو) می‌خوانیم که می‌گوید: از امام صادق (ع) دربارهٔ صراط سؤال کردم، فرمودند: صراط همان طریق به سوی معرفت و شناخت خداوند متعال است، فرمودند: دو صراط است: صراطی در دنیا و صراطی در آخرت و اما صراط در دنیا همان امام واجب‌الاطاعه است. هر کس او را بشناسد و به هدایت او اقتدا کند، از صراطی که پل بر جهنم آخرت دارد می‌گذرد و هر کس او را در دنیا نشناسد، قدمش بر صراط آخرت می‌لرزد و در آتش جهنم سقوط می‌کند (صدوق: ۳۲).

#### رابطه صراط مستقیم و سبیل انحرافی

در تفسیر تسنیم نیز آمده است صراط و سبیل از نظر معنا به هم نزدیک هستند اما در قرآن کریم کلمه صراط همه جا به صورت مفرد به کار رفته است. برخلاف سبیل هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع سبیل آمده است. «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» (انعام/۱۵۳). سر تعددناپذیری صراط آن است که به خدا استناد دارد و راه مستقیم الهی یکی بیش نیست و هر چه برخلاف آن باشد، سبیل‌الغی است اما راه‌های انحرافی سبیل فراوان است. این بزرگراه محفوظ است که یکی بیش نیست.

در زبان عربی از بزرگراه به این جهت که رهرو در آن از گم شدن مصون است، به امام تعبیر می‌شود: «وَ إِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُبِينٍ» (حجر/۷۹). حرکت به دنبال قرآن و امام معصوم علیه‌السلام گام نهادن در بزرگراهی است که یقیناً به مقصد منتهی می‌شود و صراط همین بزرگراه است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۶۶).

#### رابطه صراط مستقیم با سبیل الهی

در تفسیر المیزان آمده است: «سبیل به سوی خدا، همان صراط مستقیم است؛ جز اینکه هر یک از سبیل‌ها مثلاً سبیل مؤمنین، سبیل منیبین، سبیل پیروی کنندگان رسول خدا (ص) و هر سبیل دیگر، گاه می‌شود که یا از داخل یا خارج دچار آفتی می‌گردد، ولی صراط مستقیم هرگز دچار این دو آفت نمی‌شود؛ زیرا ایمان، که یکی از سبیل‌هاست، گاهی با شرک هم جمع می‌شود و همچنان که گاهی با ضلالت جمع می‌شود، اما هیچ یک از شرک و ضلالت با صراط مستقیم جمع نمی‌گردد. پس معلوم شد که برای سبیل مرتبه‌های بسیاری است. بعضی از آن‌ها خالص، و بعضی دیگر آمیخته با شرک و ضلالت است و بعضی راهی کوتاه‌تر و بعضی دیگر دورتر است، اما هر چه هست به سوی صراط مستقیم می‌رود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۵۲).

مشروح در

[HTTP://ROSHDMAG.IR/WEBLOG/MAAREFESLAMI](http://ROSHDMAG.IR/WEBLOG/MAAREFESLAMI)

۱۲